

عنوان مقاله:

تأثیر تئوری انتقادی در حسابداری بر حسابداری بخش عمومی

محل انتشار:

اولین کنفرانس بین المللی حقوق، مدیریت، علوم تربیتی، روانشناسی و مدیریت برنامه ریزی آموزشی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 9

نویسندگان:

سیاوش طهور - کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستارا

سمیه چوبداری - کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آستارا

پاکیزه فیضی - کارشناسی حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

خلاصه مقاله:

در گذشته، محققان حسابداری مالی به نظریه های عاملیت و مباشرت تکیه داشتند تا پدیده هایی را توضیح دهند که ممکن است مانع از تبادل اطلاعات مالی در فرآیند حسابداری شوند. این مقاله ارتباط تئوری انتقادی به حسابداری مالی عمومی موثر را ارزیابی می کند. بخش عمومی در کشورهای در حال توسعه مکانیسم حسابداری دارد که براساس مدلعاملیت است. مکانیسم حسابداری در پی فرضیه های نظریه مدیر - عامل بیشتر بر روی نظارت بر رویه ها تمرکز دارد تا عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد. این امر می تواند افشای اطلاعات را تقویت کند اما ممکن است منجر شود به اضافه بار در طرف حساب کنندگان و حساب شوندگان. ادبیات گسترده تاکید دارد که این نظریه چهارچوب مناسبی برای خدمات پیمانکاری نیست که اندازه گیری و مشاهده آنها دشوار است و اینکه این نظریه نمی تواند مسئله ارتباط محیط، رقابت، قابلیت مدیریت و دسترسی یا فقدان مشوق های قوی مخصوصا مالی را برای همراه کردن اقدامات یک عامل هدف قرار دهد. با ظهور تحقیقات در حسابداری مالی، مسئله بهترین چهارچوب نظری برای اتخاذ، همچنان بی پاسخ مانده است. نظریه حسابداری انتقادی در میان پژوهشگران در تلاش خود برای هدف قرار دادن مسائل تعارض اهداف بین مدیر و عاملو دشواری یا ناتوانی مدیر برای تایید کار عامل، مقبولیت گسترده ای پیدا کرده است. ادبیات موجود، تعداد اندکی از مطالعات بر روی ادبیات حسابداری انتقادی را ایجاد کرده است که بر روی کشورهای در حال توسعه تمرکز دارد. این مقاله نظری تئوری حسابداری انتقادی و ارتباط آن با جوامع در حال توسعه امروزی را بررسی می کند.

کلمات کلیدی:

تئوری انتقادی، حسابداری، حسابداری، بخش مالی عمومی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1876859>

